فصلنامه توسعه اجتماعی (توسعه انسانی سابق)، دوره ۱۸، شماره ۴، تابستان ۱۴۰۳، صفحات ۲۱۴-۱۹۵

بازشناسی هویت فرهنگی قوم عرب خورستان در ارتباطات میان‌فردی (مورد مطالعه شهرستان شادگان)

جعفر شویچی[۱]، دکتر حسین آقاجانی مرسا[۲]، دکتر نیر پیراهری[۳]

تاریخ وصول: ۱۴۰۲/۱۲/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۲/۵

چکیده:

مردم عرب استان خوزستان همانند سایر اقوام ایرانی، فرهنگ نامکتوب و نوشته نشده‌ای دارند که با گذشته تاریخی، حماسه‌های آباء و اجدادی، زبان مادری، باورها و سنت‌های عشیره‌ای، مفاخر قومی، اسوه‌های دینی، عصبیت‌های قومی، هنر و ادبیات آنها پیوند تنگاتنگ دارد. بیشتر مطالعات صورت گرفته در مورد مردم عرب خوزستان جنبه سیاسی دارند و لزوم انجام مطالعات فرهنگی در مورد مردم مذکور ضروری بنظر می‌رسد. هدف اصلی مقاله حاضر بازشناسی هویت فرهنگی قوم عرب خوزستان در ارتباطات میان فردی (موردی مطالعه شادگان) می‌باشد. از روش کیفی گروه‌های کانونی بعنوان روش تحقیق استفاده شد. در جلسات متعدد و در قالب ۱۳ گروه ۱۰ نفره گروه‌های کانونی به بحث و بررسی و گرفتن نظرات شرکت‌کنندکان در رابطه با موضوع مورد بررسی مقاله پرداخته شد، بحث‌ها و گفتگوها تا مرحله‌ای که بحث به مرحله اشباع می‌رسید و دیگر اطلاعات جدید مطرح نمی‌شد، ادامه داشت. از نظریه روح‌الامینی که هویت فرهنگی را در هفت زمینه رتبه‌بندی کرده است بعنوان چارچوب نظری استفاده شده است. زبان و ادبیات، تاریخ، دین، دانشمندان و نام‌آوران و آثار آنها، اعتقادات و باورها، موقعیت جغرافیایی و اکولوژی، صنایع دستی و دست آفریده‌ها، بناهای تاریخی و آثار باستانی که هر کدام از مؤلفه‌های اصلی یاد شده دارای مؤلفه‌های فرعی می‌باشند، بعنوان مهم‌ترین مؤلفه‌های هویت فرهنگی مردم عرب خوزستان در ارتباطات میان فردی (موردی مطالعه شادگان) می‌باشند.

مفاهیم کلیدی: *فرهنگ، هویت فرهنگی، قوم عرب، ارتباطات میان فردی*

---

[۱] دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی فرهنگی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران
shovaichij@yahoo.com

[۲] دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
hos.aghajani@iauctb.ac.ir

[۳] استادیار گروه جامعه‌شناسی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران pirahari.nayer@iau.ac.ir

مقدمه و بیان مسأله

جوامع انسانی هر چند دارای نوعی وفاق اجتماعی و انسجام کلی هستند، افراد آن از نظر سنی، جنسی، مذهبی، نژادی و قومی متفاوت از یکدیگر هستند و این تفاوت باعث بوجود آمدن گروه‌های گوناگونی در جوامع می‌شود. بنابراین هر جامعه‌ای جدا از فرهنگ عام، دارای خرده فرهنگ‌هایی متناسب با وضعیت گروهی خود می باشد (*Navah & Heydari, 2015:60*).

هویت فرهنگی مجموعه‌ای از اجزایی می‌باشد که یک جامعه را می‌شناساند، و به وسیله آن تفاوت بین ملت‌ها حاصل می‌گردد، عناصر هویت فرهنگی مشتمل بر عناصر ثابت و متغیر است، احساس تعلق به هویت فرهنگی موجودیت به شمار می‌آید و رویگردانی از این هویت فرهنگی رویگردانی از موجودیت تلقی می شود، عناصر تعیین‌کننده هویت فرهنگی از دیدگاه نظریه‌پردازان یکی نبوده است، حتی نسبت اهمیت این عناصر نزد آن‌ها در یک سطح نبوده است، بلکه متعدد بوده است و مهم‌ترین این عناصر عبارتند از زبان، دین، تاریخ، میراث، وحدت فکر، سرنوشت مشترک و ... (*Daliri Mazrae, 2018:13*).

موضوع و چیستی هویت، یکی از مسائل بحران برانگیز و پر دامنه‌ای است که در دهه‌های گذشته مورد توجه بسیاری از اندیشمندان و محققان قرار گرفته است. هویت فرهنگی، منبع اصلی برقراری ارتباط و تعامل و یکی از چارچوب‌های اصلی سازماندهی جامعه است. در واقع نوع شناخت فرد از خود در ارتباط و مقایسه با دیگران در اجتماع است که مشخص می‌کند فرد یا گروه به لحاظ اجتماعی، چه جایگاه و ویژگی‌هایی در مقایسه با دیگران دارا می باشد (*Damadam, 2012:61*).

هر گروه اجتماعی دارای تاریخ، ضوابط خویشاوندی، شیوه اقتصادی، هنجارها، مناسک اعتقادی، زبان، ادبیات و هنر خاص به خود می‌باشد. هر قاره‌ای، هر کشوری، هر شهری و هر روستایی دارای ویژگی‌های است که در قاره، کشور، شهر و روستای دیگر دقیقا مانند آن یافت نمی‌شود. به‌عبارتی دیگر شرایط و مقتضیات جغرافیایی، تاریخی، اقتصادی، خانوادگی، اعتقادی، زبانی، سنتی و هنری هر جامعه باعث می‌شود که فرهنگ آن جامعه در عین حال که با فرهنگ بشری هماهنگ است، دارای ویژگی‌های مختص به خویش باشد و مجموعه این ویژگی‌ها که هویت فرهنگی هر منطقه و جامعه را مشخص می‌کند. با توجه به این شرایط و مقتضیات است که نتایج و اندیشه‌ها با مرزبندی‌هایی چون فرهنگ جهانی، فرهنگ آسیایی، فرهنگ ایرانی، فرهنگ اسلامی، فرهنگ عربی ـ اسلامی و فرهنگ مردم عرب خوزستان و ... متمایز می‌گردد. این ویژگی‌ها که فرهنگ جامعه را از جوامع دیگر متفاوت می‌سازد، معرف

شناسنامه فرهنگی آن جامعه است. مطالعات قومی درباره استان خوزستان صرفاً نباید سیاسی باشد. به‌عبارت دیگر، مسایل و مشکلات استان وجوه چند لایه دارد. فرض پژوهش بر این بود که حوزه‌های تاریخی، مردم‌شناسانه و جامعه‌شناسانه نه فقط با کمک کردن به حوزه سیاسی شناخت وسیع‌تر و جدی‌تری از مسائل و مشکلات موجود استان را فراهم می‌کند بلکه امکان مناسب‌تری برای مطالعه و بررسی بین رشته‌ای و همچنین تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری پدید می‌آورد (*Gharayan Zandi, 2008:12*). نویسندگان مقاله در پی آن هستند که مردم عرب خوزستان در ارتباط با دیگران، خود را با چه ویژگی‌های فرهنگی معرفی می‌کنند و یا بعبارت دیگر مردمان غیر عرب در ارتباط با مردم عرب آنها را با چه ویژگی‌های فرهنگی می‌شناسند. بر همین اساس، موضوع این مقاله بازشناسی هویت فرهنگی قوم عرب خورستان در ارتباطات میان فردی (مورد مطالعه: شهرستان شادگان) می‌باشد.

ایران از جمله کشورهایی است که در آن اقوام مختلف با هویت‌های فرهنگی متنوع قرن‌ها در کنار هم بصورت مسالمت‌آمیز زندگی کرده‌اند. اگر چه به ظاهر رنگ و لعاب‌های الگوی فرهنگی ـ قومی کشور ایران، گوناگون، رنگارنگ و با نقش‌های خاص خود یگانه و بیگانه از هم می‌نماید ولی همانند فرش‌های چشم‌نواز و نفیس ایرانی است که زیر یک سقف حیات یافته و سرنوشت تاریخی و فرهنگی واحدی را رقم زده‌اند. نگرش صحیح به تنوع قومی با نگاه جزء در کل معنا و مفهوم پیدا می‌کند، زیرا عنصری است که در ترکیب با سایر عناصر هویتی ایرانی نمود پیدا می‌کند. به‌عبارتی شاخه‌ای از درخت تنومند ایران زمین و نقشی بر فرش کشیرالنقش ایران است. اگر ایران را به‌صورت کثرت در وحدت نبینیم، نه تنوع قومی معنی پیدا می‌کند و نه ایرانی بودن (*Bagheri, 2012:7-8*).

ما نیازمند بررسی های علمی، و محققانه تنوع قومی، آیینی و اجتماعی در ایران، و جست‌وجوی راه‌های منطقی و سنجیده برای بهره‌گیری از این تنوع درجهت اعتلاء و پیشگیری از تبدیل آن به تهدید، مانع و مشکل در مسیر پیشرفت، ثبات و امنیت هستیم (*Salehi Amiri, 1999:18*).

هر گروه اجتماعی دارای تاریخ، ضوابط خویشاوندی، شیوه اقتصادی، مقررات، مناسک اعتقادی، زبان، ادبیات و هنر مختص به خود می‌باشد. هر قاره‌ای، هر کشوری، هر شهری و هر دهی داری ویژگی‌های است که در قاره، کشور، شهر و ده دیگر عیناً مانند آن یافت نمی‌شود. به دیگر شرایط و مقتضیات جغرافیایی، تاریخی، اقتصادی، خانوادگی، اعتقادی، زبانی، سنتی و هنری هر جامعه‌ای باعث می‌شود که فرهنگ آن جامعه در عین حال که با فرهنگ بشری هماهنگ است، دارای ویژگی‌های مختص به خویش باشد و مجموعه این ویژگی‌ها که هویت

فرهنگی هر منطقه و جامعه را مرزبندی می‌کند. با توجه به این شرایط و مقتضیات است که دستاوردها و اندیشه با مرزبندی‌هایی چون فرهنگ جهانی، فرهنگ آسیایی، فرهنگ ایرانی، فرهنگ اسلامی، فرهنگ عربی ـ اسلامی و فرهنگ مردم عرب خوزستان و ... متمایز می‌گردد. این خصوصیات که فرهنگ جامعه را از جوامع دیگر متمایز می‌سازد، معرف شناسنامه فرهنگی آن جامعه است. مردم عرب استان خوزستان همانند سایر اقوام ایرانی، فرهنگ نامکتوب و نوشته نشده‌ای دارند که با گذشته تاریخی، حماسه‌های آباء و اجدادی، زبان مادری، باورها و سنت‌های عشیره‌ای، مفاخر قومی، اسوه‌های دینی، عصبیت‌های قومی، هنر و ادبیات آنها پیوند تنگاتنگ دارد. جلوه‌های رفتاری این فرهنگ به‌طور غیر رسمی از طریق عرف کنترل می‌شود و به نوعی هویت فرهنگی اقوام عرب استان خوزستان را از سایر اقوام را مرزبندی می‌کند. به نظر می‌آید در معرفی شناسنامه فرهنگی یک قوم، فرهنگ عامیانه بیان مناسبی برای هویت فرهنگی و اجتماعی باشد. (*Banisaeed, 1995:85*). مطالعات قومی درباره استان خوزستان صرفاً نباید سیاسی باشد. به‌عبارت دیگر، مسایل و مشکلات استان وجوه چند لایه دارد. فرض پژوهش حاضر این بود که حوزه‌های تاریخی، مردم‌شناسانه و جامعه‌شناسانه نه فقط با کمک کردن به حوزه سیاسی شناخت وسیع‌تر و جدی‌تری از مسائل و مشکلات موجود استان را فراهم می کند، بلکه امکان مناسب تری برای مطالعه و بررسی بین رشته‌ای و همچنین تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری پدید می‌آورد (*Gharayan Zandi, 1998:12*). روح‌الامینی هویت فرهنگی را در هفت زمینه که شامل موقیت جغرافیایی و اکولوژی، عامل تاریخی، زبان و ادبیات، بتاهای تاریخی و آثار باستانی، صنایع دستی و دست آفریده‌ها اعتقادات و باورها، دانشمندان و نام‌آوران و آثار آنها رده‌بندی کرد (*Rouhol Amini, 1999:146*). پژوهش حاضر در پی آن هستند که مردم عرب خوزستان در ارتباط با دیگران خود را با چه ویژگی‌های فرهنگی معرفی می‌کنند و یا بعبارت دیگر مردمان غیر عرب در ارتباط با مردم عرب آنها را با چه ویژگی‌های فرهنگی می‌شناسند. بر همین اساس و بر مبنای هدف ذکر شده در ذیل موضوع این مقاله بازشناسی هویت فرهنگی مردم عرب خوزستان در ارتباطات میان فردی (مورد مطالعه: شهر شهرستان شادگان) است.

پرسش اصلی

- مؤلفه‌های هویت فرهنگی قوم عرب خورستان در ارتباطات میان فردی (مورد مطالعه: شهرستان شادگان)کدامند؟

پرسش‌های فرعی

۱- مؤلفه‌های فرعی زبان و ادبیات مردم عرب خوزستان در ارتباطات میان فردی (مورد مطالعه شهرستان شادگان) کدامند؟

۲- مؤلفه‌های فرعی تاریخ مردم عرب خوزستان در ارتباطات میان فردی (مورد مطالعه شهرستان شادگان) کدامند؟

۳- مؤلفه‌های فرعی اعتقادات و باورها مردم عرب خوزستان در ارتباطات میان فردی (مورد مطالعه شهرستان شادگان) کدامند؟

۴- مؤلفه‌های فرعی دین مردم عرب خوزستان در ارتباطات میان فردی (مورد مطالعه: شهرستان شادگان) کدامند؟

پیشینه تجربی پژوهش

الف) تحقیقات داخلی

جامعه‌شناسی قبایل عرب خوزستان تألیف کاظم‌پور (۱۳۷۵)، با موضوع فرعی تحقیقی در آداب و رسوم فرهنگ عامیانه می‌باشد. در این کار مؤلف به معرفی قبایل و عشایر عرب خوزستان، آداب و رسوم اجتماعی، ارزش‌ها، نقش افراد قبیله در حل و فصل نزاع‌ها و کمک به افراد قبیله خود، روش‌های کنترل اجتماعی، طبقه‌بندی، قشربندی و ساخت اجتماعی قبایل عرب خوزستان، هنجارها و عادات اجتماعی عشایر عرب خوزستان، مسائل تربیتی، اعتقادات و باورداشت‌های عوام، طب سنتی، ضرب‌المثل‌ها و بازی‌های سنتی مردم عرب خوزستان پرداخته است.

اهل دیره عنوان کتابی هست تألیف بنی سعید (۱۳۸۵)، با موضوع فرعی پژوهشی در فرهنگ عامیانه مردم عرب خوزستان می‌باشد. محقق و دسته‌ای از دانشجویانش به میان مردم رفته و باورهای عامیانه را در فعالیت‌های روزمره آن‌ها مثل خوراک، پوشاک، جشن‌ها، قصه‌ها، ازدواج، مرگ و میر، افسانه‌ها، بازی‌ها، موسیقی، صنایع دستی و غیره جستجو و جمع‌آوری کرده‌اند. از جمله اهداف انجام این پژوهش معرفی دانش عامیانه مردم عرب خوزستان به سایر اقوام و شهروندان ایرانی و بویژه پژوهشگران و اساتید علوم اجتماعی و مردم‌شناسی معرفی شده است. از دیگر اهداف مورد اشاره در نگارش کتاب مورد بررسی ایجاد بستر مناسب برای کاهش پیش‌داوری‌ها و قضاوت‌های قالبی نسبت به قوم عرب استان خوزستان و جلب توجه مسئولان و برنامه‌ریزان که در پروژه‌های فرهنگی و اجتماعی درون استانی (خوزستان) به

هویت فرهنگی مردم عرب که به نوعی در فرهنگ عامیانه آنها تجلی‌یافته، توجه اساسی داشته باشند.

ایرانیان عرب‌تبار پژوهشی از غرایان زندی (۱۳۸۷)، در حوزه مردم‌شناسی ساختار قومی اعراب خوزستان می‌باشد. در این اثر مؤلف به مباحثی در زمینه ملاحظات نظری و روشی، تعاریف قومیت و ملیت، تبین وضعیت جغرافیایی، جمعیتی و تاریخی استان خوزستان پرداخته است. در بخشی دیگر مؤلف با رویکردی مردم‌شناختی به استان خوزستان پرداخته و به بیان گوشه‌ای از آداب و رسوم مردم عرب خوزستان پرداخته است. از مباحث دیگر این پژوهش تبیین سیاست‌گذاری‌های قومی در دوره‌های پهلوی اول و دوم و جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.

لهسائی‌زاده و همکاران (۱۳۸۸)، تحقیقی را با هدف بررسی عوامل داخلی مؤثر بر هویت قومی و هویت ملی در میان اعراب شهرستان اهواز انجام دادند. در این تحقیق، تأثیر متغیرهای سن، جنس، وضعیت تأهل، شغل، درآمد خانواده، میزان مالکیت خانواده، احساس محرومیت نسبی در بعد اقتصادی، سابقه شهرنشینی، منطقه مسکونی (عرب‌نشین و مختلط)، میزان اعتماد به قوم، پایبندی به هنجارهای قومی، تحصیلات، استفاده از وسایل ارتباط‌جمعی، رضایت از نظام سیاسی، مشارکت در امور سیاسی و احساس محرومیت نسبی در بعد سیاسی بر متغیر هویت قومی سنجیده شدند و در آخر رابطه بین متغیر هویت قومی و هویت ملی در نمونه آماری مورد آزمون قرار گرفت. نتایج از معنادار بودن رابطه بین متغیرهای مذکور (به غیر از جنس، وضعیت تأهل و سابقه شهرنشینی) با هویت قومی دارد و رابطه هویت قومی و هویت ملی در بعد منفی آن تأیید شد.

اکوانی (۱۳۸۸)، تحقیقی را با عنوان گرایش به هویت ملی و هویت قومی در عرب‌های خوزستان انجام داد. نتایج حاصل در این تحقیق بیانگر این است که مردم عرب خوزستان نه تنها گرایش بالایی به هویت ایرانی ـ اسلامی دارند، بلکه به هویت قومی خود نیز علاقه دارند و علاقه به هویت قومی آنان باعث کاهش گرایش به هویت ملی نمی‌شود. ضمن اینکه ریشه برخی ناهمگرایی‌ها را باید در بررسی شاخص‌های عینی همانند مشکلات اقتصادی، اجتماعی و به دنبال آن احساس محرومیت نسبی جست و جو کرد نه در مؤلفه‌های ذهنی و تمایزگرانه.

قوم عرب اثری از باقری چوکامی (۱۳۹۱)، می‌باشد. در این اثر به پراکندگی جمعیت، طوایف و تیره‌ها، تاریخ و هویت قومی و فرهنگی مردم عرب خوزستان پرداخته است. در قسمت پایانی این اثر مؤلف به بررسی نقش مردم عرب خورستان در حفظ هویت ملی و دفاع از تمامیت ارضی و هشت سال دفاع مقدس پرداخته است.

بررسی ضرب‌المثل‌های عربی خوزستان پژوهشی از ترابی و حسینی کازرونی (۱۳۹۲)، می‌باشد. هدف این تحقیق جمع‌آوری و بررسی ضرب‌المثل‌های عربی خوزستان که می‌توانند ارزنده باشند و به مطالعات اجتماعی و مردم‌شناسی کمک کنند.

هویت فرهنگی اقوام ایرانی و ... عنوان مقاله‌ای هست که توسط مرادی (۱۳۹۴)، نگارش یافته است. محقق در این مقاله به امکان و توانایی نقش‌های متعدد گوناگونی فرهنگی و وجود فرهنگ‌ها و اقوام مختلف در ایران، نقش هویت فرهنگی اقوام ایرانی بر هویت و انسجام ملی و رشد آن، تعریف هویت فرهنگی، قوم، قومیت و گروه قومی پرداخته است؛ همچنین پژوهشگر در مقاله فوق به نقش و اهمیت اقوام ایرانی، به تعریف و تبین مؤلفه‌های هویت فرهنگی اقوام ایرانی پرداخته است.

موسوی‌سرشت و بابایی‌فرد (۱۴۰۱)، در پژوهشی با عنوان بازآفرینی هویت فرهنگی قومی در میان مردم عرب خوزستان به بررسی مسائل فرهنگی در جوامع چند قومی و چند فرهنگی برای کاستن از واگرایی‌هایی فرهنگی و تحقق همبستگی اجتماعی در میان مردم عرب خوزستان پرداختند. یافته‌های پژوهش حول برخی از مهم‌ترین متغیرهای مؤثر بر بازآفرینی هویت قومی در جامعه مورد مطالعه شامل: ضعف کارکردی نهادهای مدنی، کاهش سیطره فرهنگی حکومت مرکزی، توریسم فرهنگی، پذیرش بیشتر تکثر فرهنگی، برنامه‌های کانال‌های تلوزیونی محلی (عربی) سازمان صدا و سیمای ایران، رشد سرمایه فرهنگی، تحرک اجتماعی، احساس محرومیت نسبی و بی‌توجهی نظام سیاسی به هویت‌های فرهنگی قومی در سیاست‌گذاری‌های فرهنگی می‌باشد.

قنبری برزیان (۱۴۰۲)، در مقاله خود تحت عنوان عوامل مؤثر بر برجستگی هویت قومی در بین اعراب خوزستان (یک نظریه زمینه‌ای) با هدف تلاشی برای فهم و شناخت عوامل مؤثر بر تشدید و برجسته شدن قوم‌گرایی در میان کنشگران قومی و نخبگان و فعالان سیاسی اجتماعی عرب‌زبانان خوزستان است. نتایج و یافته‌ها نشان می‌دهد که برجسته شدن و تشدید هویت قومی در میان نمونه مورد بررسی در مقابل هویت ملی قرار نمی‌گیرد و به همان اندازه هم هویت ملی مورد توجه عرب‌زبانان است؛ همچنین برجستگی هویت قومی، تابعی از عناصر هویت سیاسی شده قومی، طردشدگی فرهنگی قومی نژادی، محرومیت مستمر تاریخی، محرومیت نسبی ادراک شده قومی، تنفر درونی شده قومی ضد حاکمیتی، تمایلات هویت‌خواهی قومی، هویت‌سازی عقلانی قومی، غصب قومی فضا و جغرافیا و مرزبندی هویتی قومی شده است.

ب) تحقیقات خارجی

در بررسی پژوهش‌های داخلی و خارجی صورت گرفته در مورد هویت فرهنگی و مؤلفه‌های آن، هیچ‌کدام بصورت کامل و دقیق به تمامی مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده هویت فرهنگی نپرداخته است؛ همچنین در زمینه مردم عرب خوزستان که موضوع مورد بررسی در این مقاله می‌باشد تا کنون تحقیق و مطالعه جامعی در رابطه با هویت فرهنگی آنها صورت نگرفته است؛ به همین جهت و با عنایت به جدید بودن این موضوع، پژوهشگران این مقاله به مطالعه و بررسی آن پرداخته‌اند.

مبانی نظری پژوهش

هویت شرط لازم زندگی اجتماعی است و بدون چارچوبی برای تعیین هویت، انسان‌ها نمی‌توانند به صورتی معنادار و پایدار با یکدیگر ارتباط برقرار کنند. در واقع بدون هویت، جامعه‌ای وجود نخواهد داشت (*Jenkins, 2002:6*) و همچنین بیان شد که هویت بر دو نوع است هویت فردی و هویت جمعی که در این پژوهش تمرکز ما بر هویت جمعی بالاخص هویت فرهنگی که یکی از سطوح هویت جمعی است، می‌باشد. هویت اجتماعی (جمعی) افراد در جریان ارتباط و تعامل اجتماعی آنها شکل می‌گیرد. از این دیدگاه هویت امری اجتماعی است که فرد آن را در تعامل با افراد و گروه‌های اجتماعی کسب می‌کند (*Chalabi, 1996:37*)؛ و هویت فرهنگی به آن بخش از هویت که ما را از هویت‌های دیگر جهان پیرامون متمایز می‌کند و بیانگر تفاوت‌های ما از دیگران باشد نه اختلافمان، گفته می‌شود. این نوع هویت که فراگیرترین نوع آن در بین شهروندان یک کشور است از مهم‌ترین اجزاء هویت جمعی است که سبب توافق فرهنگی می‌شود و شامل کلیه ابعاد فرهنگی و نظام اجتماعی است که به نوعی خودآگاه و یا ناخودآگاه ما را تحت تأثیر قرار می‌دهد و نشانه تاریخ یک فرهنگ و یک ملت به شمار می‌رود.

تاجفل هنری[1]

به‌طور کلی نظریه تاجفل بیان‌کننده آن است که هویت اجتماعی افراد بر مبنای گروهی که به آن تعلق دارند و ویژگی‌های فرهنگی آن گروه شکل می‌گیرد. در واقع هویت اجتماعی

[1] Tajfel Henry

آگاهی فرد از تعلق به یک گروه اجتماعی و ارزش و اهمیت عاطفی این عضویت برای وی است.

عقاید تاجفل نیز مانند اکثر نظریه پردازان هویت، تأکیدش بر شکل‌گیری هویت بر اساس رابطه با دیگران می‌باشد. بر اساس نظریات تاجفل، هویت به معنای تعیین مرز میان خود و بیگانه است و به نوعی تفکیک اعضای درون‌گروه از افراد برون‌گروه است (*Golmohammadi, 2002:101*).

برگر و لوکمان

پیتر برگر و توماس لوکمان از جمله اندیشمندان متعلق به مکتب پدیدارشناختی هستند که با انتشار کتاب "ساخت اجتماعی واقعیت" تلاش نمودند علایق جامعه‌شناسی پدیده شناختی را که بیشتر به کنش و اندیشه فردی و ذهنیت کنشگران توجه داشت به ساختارها و نهادهای اجتماعی بسط دهند. آنها به دنبال این امر بودند که خصلت دو گانه جامعه را بر حسب واقعیت عینی و معنای ذهنی مورد بررسی قرار دهند. مهم‌ترین عبارت بیان شده از آنان که جهت‌گیری افکارشان را به خوبی نمایان می‌سازد این عبارت است که "انسان یک محصول اجتماعی است" (*Riterz, 1998:150*). به نظر برگر و لوکمان، هویت یکی از اجزای واقعیت ذهنی است و مانند هر گونه واقعیت ذهنی، پیوندی دیالکتیک با جامعه دارد (دیاکتیک میان فرد و جامعه). هویت در اثر فرایندهای اجتماعی شکل می‌گیرد و پس از متبلور شدن، باقی می‌ماند؛ تغییر می‌کند و یا حتی در نتیجه روابط اجتماعی از نو شکل می‌گیرد. فرایندهای اجتماعی که در تشکیل هویت و هم در حفظ آن دخیلند، بر حسب ساختار اجتماعی تعین می‌یابند به علاوه انسان به هویتی علاقمند است که دیگران تأییدش می‌کنند (*Berger and Lokman, 1996:240*).

در حقیقت آنچه که برگر و لوکمان بر آن تأکید دارند تأثیر حتمی جامعه بر خصوصیات زیستی و فردی افراد و به نوعی تحت تأثیر قرار دادن هویت فردی آنان است. ارگانیسم انسان که برگر و لوکمان از آن به‌عنوان "نفس فروتر" نام می‌برند همواره در حال مبارزه با "نفس فراتر" یا هویت اجتماعی است. زیرا افراد در مقابل خواسته‌های جسمانی و زیستی خود ملاحظات مبتنی بر هویت اجتماعی‌شان را مد نظر قرار می‌دهند. عبارات زیر نشان‌دهنده عقیده این دو در خصوص ساخت واقعیت در جریان این دیالکتیک مستمر می‌باشد. آدمی از لحاظ زیستی مجبور است که با یاری دیگران جهانی بسازد و در آن سکونت گزیند. این جهان برای او به‌صورت واقعیت مسلط و قاطع در می‌آید. حدود این جهان را طبیعت مقرر می‌دارد.

اما همین که ساخته شود بر طبیعت تأثیر متقابل می‌گذارد. در دیالکتیک میان طبیعت و دنیای ساخته و پرداخته جامعه خود، ارگانیسم آدمی دگرگون می‌شود؛ در همین دیالکتیک، انسان واقعیت را به وجود می‌آورد و از این راه خود را می‌آفریند. (*Berger and Lokman, 1996:249*).

ریچارد جنکینز

وی هویت اجتماعی را خصیصه همه انسان‌ها به‌عنوان موجودات اجتماعی می‌داند و معتقد است که برای درک و فهم هویت فردی و اجتماعی می‌توان از یک الگوی واحد و یکسان استفاده نمود، زیرا هویت فردی بدون هویت اجتماعی و هویت اجتماعی بدون هویت فردی قابل شناسایی و درک نیست. در جریان تعیین هویت، افراد دو اقدام انجام می دهند: نخست طبقه‌بندی اشیاء و افراد و دوم مرتبط ساختن خود با چیزی یا کسی دیگر (*Jenkins, 2002:5*).

وی اعتقاد دارد که هویت افراد در جریان اجتماعی شدن و تعامل‌های اجتماعی با دیگران در طول زندگی شکل می‌گیرد (*Batmani, 2005:52*). هویت‌های جمعی از نظر جنکینز به شباهت‌ها و اشتراکات میان افراد اشاره دارند (*Jenkins, 2002:135*). عبارت "هویت اجتماعی" به شیوه‌هایی که به واسطه آن افراد و جماعت‌ها در روابط اجتماعی خود از افراد و جماعت‌های دیگر متمایز می‌شوند اشاره دارد و برقراری و متمایز ساختن نظام‌مند نسبت‌های شباهت و تفاوت میان افراد، میان جماعت‌ها و میان افراد و جماعت‌هاست. شباهت و تفاوت با هم اصول پویای هویت زندگی اجتماعی هستند (*Jenkins, 2002:7*).

مانوئل کاستلز

هویت " عبارتست از فرایند معنا سازی بر اساس یک ویژگی فرهنگی یا مجموعه به هم پیوسته ای از ویژگی های فرهنگی که بر منابع معنایی دیگر اولویت داده می شود(*Castells, 2006:23*).

بر اساس دیدگاه کاستلز هویت مفهومی است که "دنیای درونی یا شخصی را با فضای جمعی اشکال فرهنگی و روابط اجتماعی ترکیب می‌کند. هویت‌ها معناهایی کلیدی هستند که ذهنیت افراد را شکل می‌دهند و مردم به واسطه آنها نسبت به رویدادها و تحولات محیط زندگی خود حساس می‌شوند. مردم به دیگران می‌گویند چه کسی هستند و مهم‌تر اینکه به

خودشان نیز می‌گویند چه کسی هستند و سپس می‌کوشند به گونه‌ای رفتار کند که از آن کسی که تصور می‌کنند هستند، انتظار می‌رود" (*Golmohammadi, 2002:225*).

آنتونی گیدنز

گیدنز نیز از جمله افرادی است که "عاملیت" و "ساختار" را با هم ترکیب می‌کند. به زعم گیدنز هویت شخصی چیزی نیست که در نتیجه تداوم کنش‌های اجتماعی فرد به او تفویض شده باشد بلکه چیزی است که فرد آن را به‌طور مداوم و روزمره ایجاد کند و در فعالیت‌های بازتابی خویش مورد حفاظت و پشتیبانی قرار دهد (*Giddens, 1999:811*). در مورد هویت اجتماعی افراد نیز گیدنز معتقد است که عملکردهای اجتماعی، روند بازتابی بودن آن، عقلانیت و خود آگاهی فرد و بازاندیشی آن هویت فرد را همیشه در فرایند ساخت‌یابی قرار می‌دهد. یعنی هویت بر اساس خود آگاهی و نیز شرایط و موقعیت‌های اجتماعی در زمان و مکان شکل می‌گیرد (*Giddens, 1999:46*).

ادمیرال

هویت فرهنگی مبتنی بر دو دسته عوامل عینی و ذهنی است. عوامل عینی مانند میراث تاریخی، چارچوب سیاسی، منشأ قومی، سنت‌ها، زبان و دین سازنده‌های بسیار مهم هویت فرهنگی هستند؛ اما در عین حال این هویت بر پایه عوامل ذهنی نیز قرار دارد، عواملی که در هوشیاری اعضای یک جامعه ثبت می‌شوند. شکل رایج این منظر غالباً گونه‌ای از ظهور اجتماعی است که به یک جامعه امکان می‌دهد که خود را تعریف کند و توسط دیگران مورد شناسایی قرار دهد. این ظهور معمولاً از طریق تصاویر، نمادها، کلیشه‌ها، اسطوره‌های مرتبط با اصل و منشأ (ریشه)، داستان‌های تاریخی و ... صورت می‌گیرد. عناصری که به هوشیاری جمعی، جلوه خاصی را از نظر شخصیت و وحدت ارائه می‌کند.

چارچوب نظری پژوهش

هویت فرهنگی را می‌توان در هفت زمینه رده‌بندی کرد (*Rouholamini, 1999:146*).

۱- موقعیت جغرافیایی و اکولوژی

۲- عامل تاریخی

۳- زبان و ادبیات

۴- بناهای تاریخی و آثار باستانی

۵- صنایع دستی و دست آفریده‌ها
۶- اعتقادات و باورها
۷- دانشمندان و نام‌آوران و آثار آنها

روش‌شناسی

گروه‌های کانونی

در این مقاله از مصاحبه‌ها و بحث‌های متعدد در قالب روش کیفی گروه کانونی بعنوان روش تحقیق بهره گرفته می‌شود. جامعه آماری این مقاله شامل کلیه مدرسین بومی دانشگاه‌های پیام نور و آزاد اسلامی، اعضاء کانون هنرمندان، اعضاء انجمن شاعران، مدرسین حوزه‌های علمیه شهرستان شادگان در مرداد ماه ۱۳۹۷ می‌باشد. در جلسات متعدد و در قالب ۱۳ گروه ۱۰ نفره گروه‌های کانونی به بحث و بررسی و گرفتن نظرات شرکت‌کنندکان در رابطه با موضوع مورد بررسی مقاله پرداخته شد، بحث‌ها و گفتگوها تا مرحله که بحث به مرحله اشباع می‌رسید و دیگر اطلاعات جدید مطرح نمی‌شد ادامه داشت. بعد از اتمام جلسات گروه‌های کانونی، نویسندگان به تجزیه و تحلیل داده‌های بدست آمده در نتیجه جلسات متعدد گروه‌های کانونی اقدام کرده‌اند و نتیجه آن بعنوان مجموعه اطلاعات بازشناسی هویت فرهنگی قوم عرب خورستان در ارتباطات میان فردی (مورد مطالعه: شهرستان شادگان) در ذیل ارائه شده است.

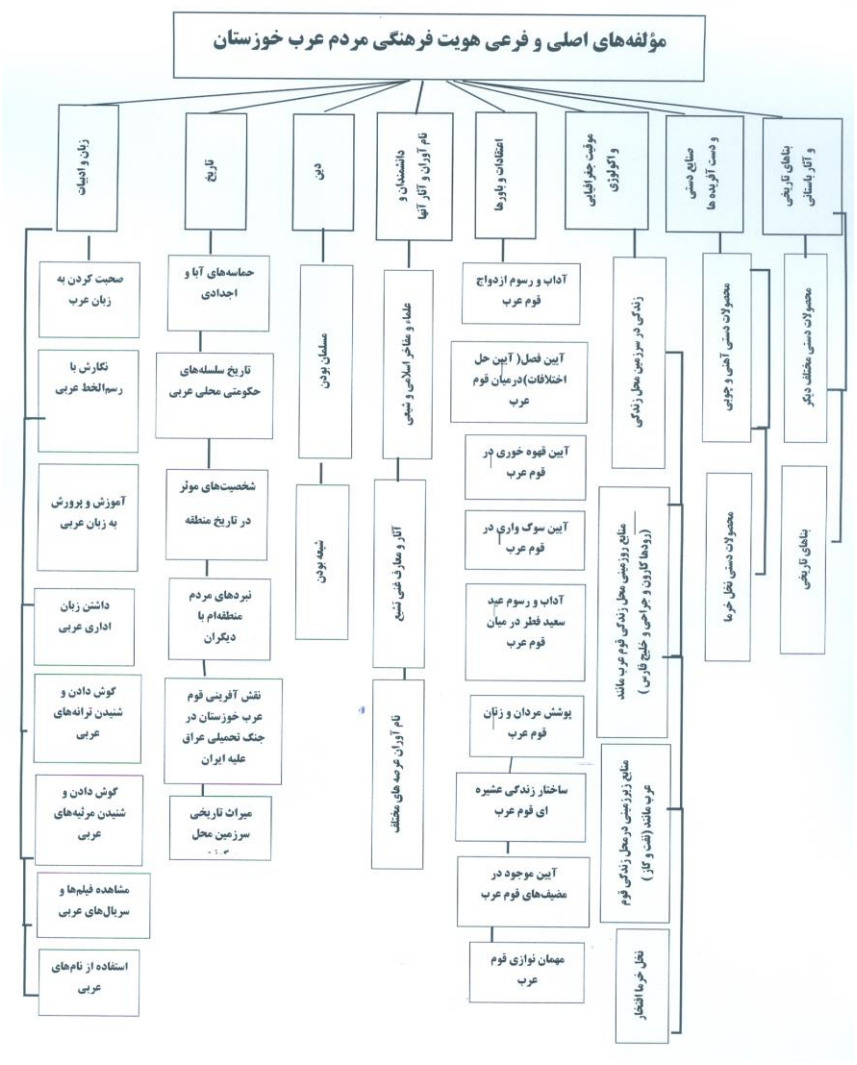
یافته‌های پژوهش

برای بررسی موضوع این مقاله جلسات متعددی با حضور اعضاء جامعه آماری در غالب گروه‌های کانونی صورت گرفت. در این جلسات اعضاء گروه‌ها به بیان نگرش‌ها، احساسات، باورها و تجارب خود در مورد مؤلفه‌های هویت فرهنگی مردم عرب خوزستان پرداختند. بعد از پایان جلسات مذکور به بررسی و خلاصه‌نویس شنیده‌ها و گفته‌های مطرح شده در جلسات متعدد گروه‌های کانونی اقدام شد. مواردی که به اتفاق اعضای گروه‌های کانونی به‌عنوان مؤلفه‌های اصلی کنونی هویت فرهنگی مردم عرب خوزستان در ارتباطات میان فردی می‌توان به آنها اشاره کردند، شامل هشت مؤلفه بشرح ذیل می‌باشد:

۱- زبان و ادبیات
۲- تاریخ
۳- دین

۴- دانشمندان و نام‌آوران
۵- اعتقادات و باورها
۶- موقعیت جغرافیایی و اکولوژی
۷- صنایع دستی و دست آفریده‌ها
۸- بناهای تاریخی و آثار باستانی

از دیگر نتایج و یافته‌های حاصل از بررسی موضوع فوق در بین اعضاء گروه‌های کانونی این است که برای هر کدام از مؤلفه‌های اصلی ذکر شده فوق، چندین زیر مؤلفه به شرح جدول ذیل ذکر شده است که جهت رعایت اختصار در این مقاله به آنها بصورت کلی و گذارا اشاره شده است. در حالی که هر کدام از مؤلفه‌های یاد شده ذیل توضیحات و یا به‌عبارتی تاریخ مفصل دارند.



نتیجه‌گیری

هویت فرهنگی از جمله ابعاد مهم هویتی است که به دلیل ماهیت و محتوایی که دارد شاید بتوان آن را ازابعاد مهم هویت قلمداد کرد. مراد از هویت فرهنگی در این مقاله عبارت است از آن قسمت از هویت که ما را از هویت‌های دیگر جهان پیرامون متمایز می‌کند و بیانگر تفاوت‌های ما از دیگران باشد نه اختلاف مان، اطلاق می‌شود. این نوع هویت که فراگیرترین

نوع آن در بین شهروندان یک جامعه است از مهم‌ترین اجزاء هویت جمعی است که سبب توافق فرهنگی می‌گردد و شامل همه ابعاد فرهنگی و نظام اجتماعی است که به نوعی خودآگاه و یا ناخودآگاه ما را تحت تأثیر قرار می‌دهد و نشانه تاریخ یک فرهنگ و یک ملت به شمار می‌آید. در این مقاله به بازشناسی مؤلفه‌های هویت فرهنگی مردم عرب خورستان (مطالعه موردی: شهرستان شادگان) پرداخته شد. نتایج مطالعه حاصل از مصاحبه و جلسات متعدد با جامعه آماری این مقاله در قالب گروه‌های کانونی، مؤلفه‌های ذیل را بعنوان شاخص‌های اصلی کنونی هویت فرهنگی مردم عرب خورستان در ارتباطات میان فردی (مورد مطالعه: شهرستان شادگان) شناخته شد.

زبان و ادبیات (صحبت کردن به زبان عرب، نگارش با رسم‌الخط عربی، آموزش و پرورش به زبان عربی، داشتن زبان اداری عربی،) گوش دادن و شیندن ترانه‌ها عربی، گوش دادن و شیندن مرثیه‌ها عربی، مشاهده فیلم‌ها و سریال‌های عربی، استفاده از نام‌های عربی، تاریخ (حماسه‌های آبا و اجدادی، تاریخ سلسله‌های حکومتی محلی عربی، شخصیت‌های مؤثر در تاریخ منطقه، نبردهای مردم منطقه با دیگران، حماسه‌های قوم عرب خوزستان در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، دین (مسلمان بودن، شیعه بودن)، دانشمندان و نام‌آوران و آثار آنها (علما و مفاخر اسلامی و شیعی، آثار و معارف غنی تشیع، نام‌آوران عرصه‌های مختلف)، اعتقادات و باورها (آداب و رسوم ازدواج قوم عرب، آیین فصل (آیین حل اختلافات)، آیین قهوه‌خوری، آیین اطعام، آیین سوگ‌واری، آداب و رسوم عید سعید فطر، پوشش مردان و زنان قوم عرب، ساختار زندگی عشیره‌ای قوم عرب، آیین موجود در مضیف‌های قوم عرب، مهمان‌نوازی قوم عرب)، موقیت جغرافیایی و اکولوژی (زندگی در سرزمین محل زندگی‌ام، منابع روزمینی محل زندگی قوم عرب مانند (رودها کارون و جراحی و خلیج فارس)، منابع زیرزمینی در محل زندگی قوم عرب مانند (نفت و گاز، نخل خرما) صنایع دستی و دست آفریده‌ها (محصولات دستی آهنی و چوبی، محصولات دستی نخل خرما، محصولات دستی مختلف دیگر)، بناهای تاریخی و آثار باستانی (آثار بر جا مانده از گذشته مانند انواع وسایل، بناهای تاریخی) می‌باشد.

نتایج حاصل از مطالعه فوق با نظریه روح‌الامینی که هویت فرهنگی را در هفت زمینه رده‌بندی کرده است، هماهنگ و همخوانی دارد (*Rouol Amini, 1999: 146*).

در تبیین نتایج مقاله حاضر می‌توان چنین عنوان کرد که هویت فرهنگی مردم عرب استان خوزستان و بویژه شهرستان شادگان در ارتباطات میان فردی، به‌عنوان بعدی از هویتی چندتکه، در بر گیرنده چنان نوعی از اعتماد به نفس و اهمیت عاطفی و احساسی برای گروه

قومی عرب استان خوزستان است که می‌تواند سایر ابعاد هویتی آنان را تحت‌الشعاع قرار دهد. این هویت ترکیبی در ایران برای مردم عرب استان خوزستان، می‌تواند متشکل از قالب‌های نسبتاً معمول هویت قومی عربی، هویت ملی ایرانی، هویت مدرن و هویت اسلامی شیعی و یا زمینه‌های نسبتاً خالص و متنوع فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و مکان ـ فضایی دیگر باشد. این لایه‌های هویتی متنوع و در هم تنیده، با اتکاء به نظریه برجستگی هویت، دارای سلسله مراتبی هستند که می‌توانند در قالب هویت‌های چندگانه توسط فرد اتخاذ گردد؛ اما ممکن است وابسته به شرایط ارتباطات بینابینی و نیز محدودیت‌های ساختاری، یکی از آنها در درجه بالاتری از اهمیت و سلسله مراتب قرار گرفته و نسبت به لایه‌های دیگر برجسته و پر رنگ‌تر شده و مورد برازش فرد یا گروه قرار گیرد.

پیشنهادات

۱- مطالعه، بررسی و شناخت زمینه‌ها و وجوه باقی مانده که به بازشناسی هویت فرهنگی قومی مردم عرب استان خوزستان مربوط می‌شود، ضروری می‌باشد.

۲- گسترش کمی و کیفی مطالعات قومی همه‌جانبه اقوام ایرانی ضروری به نظر می‌رسد.

۳- با توجه به تنوع قومی جامعه ایرانی، ایجاد مراکز مطالعات اقوام، دایر کردن دوره‌های کارشناسی رشد و دکتری اقوام ضروری به نظر می‌رسد.

References:

Akwani, S. H. (2009). "Tendency towards national and ethnic identity in Khuzestan Arabs", National Studies Quarterly, 9(36).

Bagheri Choukami, S. (2012). Qom Arab, Tehran, Pocket Books Publishing Company, first edition. (Persian).

Bani Saeed, A. (1995). Recognizing the season as a social institution-origin and its functions in the traditional Arab nomadic society of Khuzestan province, Master's thesis, Department of Sociology, Faculty of Graduate Studies, Arak Islamic Azad University. (Persian).

Bani Saeed, A. (2006). "A study on the folk culture of the Arab people of Khuzestan province", Vol. 1, Ahvaz, Tarawa Publishing House. (Persian).

Batmani, L. (2004). Investigation of the relationship between sense of distributive justice and national identity among youths aged 18 to 29 in Tehran. Master's Thesis, Department of Social Sciences, Faculty of Social and Economic Sciences, Al-Zahra University (S). (Persian).

Castells, M. (2006). Information Age, translated by Hassan Chavoshian, Vol. 2. Tehran: New design publications, 9th edition. (Persian).

Chalabi, M. (1996). Sociology of order: description and theoretical analysis of social order, Tehran: Ney Publishing. (Persian). (Persian).

Daliri Mazraee, S. (2017). Cultural divinity in contemporary Ahwazi poetry. Master's thesis in the field of Arabic language and literature, University of Kurdistan. (Persian).

Damadam, Z. (2013). The effect of using satellite on the cultural identity of the studied youth of Shush city, Master's thesis, Department of Social Sciences, Shahid Chamran University of Ahvaz. (Persian).

Ghanbari Barzian, A. (2023). "Factors affecting the prominence of ethnic identity among the Arabs of Khuzestan (a theory of this), Tehran", Sociological Studies Quarterly (Social Sciences Journal), University of Tehran.

Gharayan Zandi, D. (2008). Iranians of Arab descent", Nehran, Afkar Publishing House. (Persian).

Giddens, A. (2008). Renewal and identification: society and personal identity in the new era, translated by Nasser Mofaqian, Tehran, publishing house. (Persian).

Golmohammadi, A. (2002). Globalization, culture, identity, Tehran, Nashrani. (Persian).

Heydari, Kh.; Navah, A. (2014). "Investigating ethnic identity and its effect on the feeling of social exclusion (case study: Arabs of Ahvaz city)", Social and Cultural Strategy, 5(1). (Persian).

Jenkeniz, R. (2002). Social identity, translated by Toraj Yarahamdi, Tehran: Shiraz. (Persian).

Kazempour, K. (1996). Sociology of the Arab tribes of Khuzestan (research on customs and folk culture, published, first edition. (Persian).

Lehsaizadeh, A. A.; Moghaddis, A. A.; Taqvi Nasab, S. M. (2009). "Investigating internal factors affecting ethnic identity and national identity among the Arabs of Ahvaz city", Applied Sociology Quarterly, 20(1). (Persian).

Lukman, T.; Burger, P. (1996). Social construction of reality (a treatise in the sociology of cognition) Tehran, Scientific and Cultural Publishing Company. (Persian).

Moradi, A. R. (2014). Cultural identity of Iranian peoples and its effect on the national identity and national cohesion of Iranians" 9th year - number 84. (Persian).

Mousavi Sarasht, S. M., Babaei Fard, A. (2022). Re-creating ethnic cultural identity among the Arab people of Khuzestan. Social development. 16(3). 63-92. (Persian).

Ritters, G. (1998). Sociological theory in the contemporary era, translated by Mohsen Talasi, Tehran: Scientific Publication, 2021. (Persian).

Rooh Al-Amini, M. (1999). Field of Philology, Tehran, Payam Noor University Printing and Publishing Center, 4th edition, February 2018. (Persian).

Salehi Amiri, S. R. (2009). Management of Ethnic Conflicts in Iran, Kamil Publishing House, second edition: Spring, Tehran,

Gharayan Zandi, Dawood, 2008, "Iranians of Arab descent", Afkar publishing house, Tehran. (Persian).

Tarabi, T. (2012). "Review of Arabic proverbs of Khuzestan, Persian language and literature educational and lyrical research chapter", Islamic Azad University, Bushehr branch, serial number 17. (Persian).

Recognizing the Cultural Identity of Khorestan Arab People in Interpersonal Communication (Study Case of Shadgan City)

Jafar Shoveychi[1], *Hossein Aghajani Mersa (Ph.D)*[2]
Nayer Pirahari (Ph.D)[3]

DOI: 10.22055/QJSD.2024.46362.2930

Abstract:

Arabs in Khuzestan providence same as other Iranian ethnics have unwritten culture that has a great relationship with their past history, ancestors-epic, mother tongue, believes, tribal customs, ethnic pride, religious pride, ethnic prejudice, art and literature. Most of the studies carried out earlier and reviewed in literature focusing on Arabs in Khuzestan are more political in nature, thus cultural studies are deemed necessary and could have great contributions. This study intends to recognize identity components of Arab ethnic in Khuzestan (case study in Shadegan). Participants of this study were 376 native instructors. The qualitative method of focus groups was used as a research method. In numerous meetings and in the form of 13 groups of 10 people, focus groups were discussed and the opinions of the participants were discussed in relation to the subject of the article, discussions were continued until the discussion reached the stage of saturation and no new information was presented. Cultural identity in 7 areas that are proposed by Rouh al-Amini was used as a theoretical framework. Findings showed that language, literature, history, religion, scientists, and famous people and their master pieces, beliefs, geographical and ecological situations, hand-made tools; cultural places are the basic components of cultural identity of Arabs in Khuzestan.

Key Concepts: *Identity, Culture, Cultural Identity, Arab People, Interpersonal Communication*

[1] PhD student in cultural sociology, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran, shovaichij@yahoo.com
[2] Associate Professor, Department of Sociology, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran (Corresponding Author), hos.aghajani@iauctb.ac.ir
[3] Assistant Professor, Department of Sociology, Ga.C. Islamic Azad University, Garmsar, Iran, pirahari.nayer@iau.ac.ir

© 2019 by the authors. Licensee SCU, Ahvaz, Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-Non Commercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0 license) (http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/).